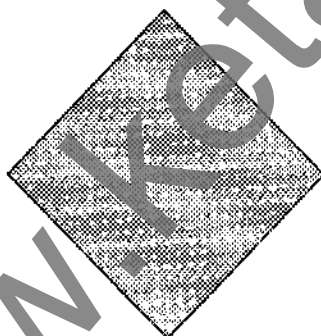


به نام خدا

رجال نامی خوانسار

جلد اول



تألیف

سید مجتبی بنی هاشمی خوانساری

موضوع	بنی هاشمی خوانساری، مجتبی، ۱۳۱۸ -
موضوع	رجال نامی خوانسار / تألیف و تنظیم: مجتبی
موضوع	بنی هاشمی خوانساری
موضوع	مشهد، فرا انگیزش، ۱۳۹۰
موضوع	۵۸۰ ص.
موضوع	978-964-2698-24-0
موضوع	فیبا
موضوع	تاریخ - کتاب شناسی
موضوع	Z ۷۸۲۶/ب ۶۵ ۱۳۹۰
موضوع	۰۱۶/۷۷۷
موضوع	۱۹۵۳۱۰۳



www.chaponashr.ir/faruangizesh Email: faraangizesh@yahoo.com

رجال نامی خوانسار
مؤلف: سید مجتبی بنی هاشمی خوانساری
ناشر: فرا انگیزش
امور فنی: مهیا گرافیک ۲۲۴۱۷۰۰
طرح جلد: کمال مظلوم - ۰۹۱۵۵۱۴۹۷۱۵
نویس: چاپ: اول - ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۱۰۰ جلد
چاپ و صحافی: سعید
لیتوگرافی: سوره - ۷۲۵۲۹۰۳
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-2698-24-0

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۹۸-۲۲-۰

مرکز پخش:

مشهد - میدان سعدی - پاساژ مهتاب (بازارچه کتاب)، طبقه ی منهای ۱ - کتاب فروشی یداء، تلفن: ۲۲۱۰۶۹۴
انتشارات فرا انگیزش، تلفن: ۲۲۲۷۸۶۳، تلفکس: ۰۵۱۱-۲۲۲۰۷۶۸

حق چاپ محفوظ است

فهرست جلد اول کتاب رجال نامی خوانسار

تعداد سرفصل	شماره صفحه
پیش مقدمه شرح حال مؤلف - مقدمه	
۱- خوانسار از کتاب فرهنگ جغرافیای کشور	۱
۲- چگونگی نامگذاری و پیشینه تاریخی	۱
۳- نامگذاری خوانسار ۱	۲
۴- بیشتر بناهای تاریخی شهر خوانسار در عصر صفوی ساخته شده‌اند	۳
۵- اشعار بابا پیر خوانسار	۳
۶- اماکن مقدس شهر خوانسار	۴
۷- نامگذاری خوانسار ۲	۵
۸- جغرافیای خوانسار	۷
۹- فتنه افغان عصر پر آشوب	۱۶
۱۰- زندگی مردم از نظر اقتصادی	۲۱
۱۱- جمعیت و قبائل مختلف	۲۳
۱۲- طایفه‌های ساکن در خوانسار	۲۳
۱۳- کشاورزی خوانسار	۲۶
۱۴- هنرهای مردم خوانسار	۲۶
۱۵- کارخانه‌های خوانسار	۲۶
۱۶- صنایع دستی خوانسار	۲۷
۱۷- هیئت‌های خوانسار	
۱۸- مسجد آقا اسداله خوانسار	۲۸
۱۹- مسجد جامع خوانسار	۳۰
۲۰- مدارس دولتی خوانسار	۳۲
۲۱- مساجد خوانسار	۳۲

۲۲	تکایا و حسینیه های خوانسار	۳۳
۲۳	اماکن مشرفه خوانسار	۳۳
۲۴	اسامی خیابانهای خوانسار	۳۴
۲۵	نام آسیابهای خوانسار	۳۴
۲۶	تاریخ آموزشگاههای خوانسار	۳۴
۲۷	دبستانهای دهات خوانسار	۳۵
۲۸	امامزاده ابر الفتح	۳۶
۲۹	بقیه مساجد خوانسار	۳۸
۳۰	فرهنگ آبادیها و مکاتهای مذهبی	۳۹
۳۱	افراد بومی و غیر بومی	۴۳
۳۲	زبان لهجه مردم خوانسار	۴۴
۳۳	مردم با چه آبادیها و شهرهایی آمد و شد داشتند و دارند	۴۵
۳۴	فرهنگ عامیانه خوانسار	۴۷
۳۵	آمار موقوفات خوانسار	۴۸
۳۶	شرح حال علمای خوانسار	۴۹
۳۷	آخوند ملا عبدالکریم خوانساری	۵۹
۳۸	آقا نورالدین خوانساری	۶۰
۳۹	مرحوم آیت اله حاج آقا حسین روحانی	۶۰
۴۰	حاج آقا جعفر خوانساری	۶۱
۴۱	آخوند ملاحیدر خوانساری	۶۱
۴۲	آیت اله حاج شیخ موسی خوانساری	۶۳
۴۳	آقا میرزا جعفر	۶۴
۴۴	آقا میرزا سید علی	۶۵
۴۵	آقا میرزا مهدی	۶۵
۴۶	آقا میرزا داود	۶۶

۴۷	آخوند ملا محمد صادق شاکریان	۶۷
۴۸	آقا رضی الدین محمد خوانساری	۶۸
۴۹	آقا حسین خوانساری	۶۹
۵۰	المحقق خوانساری آقا حسین	۷۶
۵۱	آقا جمال خوانساری	۸۳
۵۲	سید علی میرحبیبی بیدهندی	۹۲
۵۳	سید محمد علی بن محمد صادق موسوی خوانساری	۹۲
۵۴	سید کمال الدین	۹۳
۵۵	سید میرزا آقا خوانساری	۹۳
۵۶	سید محسن ناشر الاحکام	۹۳
۵۷	حاج سید جواد خوانساری	۹۴
۵۸	حاج سید حسن موسوی خوانساری	۹۴
۵۹	آقا سید جمال الدین محمودی خوانساری	۹۵
۶۰	حجت الاسلام سید محمد باقر سجادی	۹۶
۶۱	سید علی سجادی خوانساری	۹۷
۶۲	شرح حال خاندان ابن الرضا	۹۷
۶۳	مرحوم آیت اله آقا میرزا محمود ابن الرضا	۹۷
۶۴	دوران کودکی	۹۸
۶۵	دوران جوانی	۹۸
۶۶	دوران تحصیل در اصفهان	۹۸
۶۷	مهاجرت به نجف اشرف	۹۹
۶۸	اساتید ایشان در نجف اشرف	۹۹
۶۹	اجازات	۱۰۰
۷۰	مراجعت به وطن	۱۰۰
۷۱	حفظ مقام علم و روحانیت شیعه	۱۰۰

۱۰۳	۷۲- حوزه درسی معارف
۱۰۳	۷۳- حوزه درسی علوم حوزوی
۱۰۵	۷۴- اقامه عزاداری و شعائر مذهبی
۱۱۳	۷۵- رحلت
۱۱۳	۷۶- فرزندان
۱۱۴	۷۷- آثار و تالیفات
۱۱۴	۷۸- آقا میرزا رضا ابن الرضا
۱۱۴	۷۹- تحصیلات
۱۱۵	۸۰- صفات نفسانی و اخلاقی
۱۱۵	۸۱- رحلت
۱۱۷	۸۲- مرحوم حاج سید محمد علی ابن الرضا
۱۱۷	۸۳- دوران کودکی
۱۱۷	۸۴- تحصیلات
۱۱۹	۸۵- مراجعت به وطن
۱۲۰	۸۶- سجایای اخلاقی
۱۲۲	۸۷- توجه مردم به ایشان
۱۲۲	۸۸- فکر قویم و ذهن مستقیم
۱۲۴	۸۹- آثار علمی
۱۲۶	۹۰- رحلت
۱۲۷	۹۱- حجت الاسلام حاج سید مهدی ابن الرضا خوانساری
۱۳۱	۹۲- مرحوم سید هاشم غضنفری
۱۳۱	۹۳- مرحوم سید محمد تقی غضنفری
۱۳۳	۹۴- آیت اله حاج سید مهدی غضنفری
۱۳۵	۹۵- آیت اله حاج آقا حسین علوی
۱۳۷	۹۶- سید ضیاء الدین خوانساری

- ۹۷- مرحوم حاج آقا فضل اله سجادی خوانساری ۱۳۷
- ۹۸- آقا سیدعلی اکبر بیدهندی ۱۳۹
- ۹۹- سید محمود میر اشرف ۱۴۱
- ۱۰۰- آقا سید جمال الدین چهارسوقی ۱۴۱
- ۱۰۱- سید ضیاء الدین چهارسوقی ۱۴۲
- ۱۰۲- میر محمد هاشم چهارسوقی خوانساری ۱۴۳
- ۱۰۳- سید محمد کاظم خوانساری ۱۴۳
- ۱۰۴- آقا سید مهدی کاظمینی خوانساری ۱۴۸
- ۱۰۵- حاج سید محمد باقر خوانساری ۱۵۲
- ۱۰۶- آقا سید جلال الدین ۱۵۳
- ۱۰۷- آقا سید محمد مسیح خوانساری ۱۵۴
- ۱۰۸- آقا میرزا بهاء الدین خوانساری ۱۵۵
- ۱۰۹- حاج سید صدر الدین خوانساری ۱۵۶
- ۱۱۰- مرحوم آیت اله آقامیرزا محمد باقر خوانساری ۱۵۶
- ۱۱۱- سید محمد خوانساری ۱۷۰
- ۱۱۲- سید جواد خوانساری ۱۷۰
- ۱۱۳- سید محمد مهدی کاظمینی خوانساری ۱۷۱
- ۱۱۴- مرحوم حاج میرزا زین العابدین خوانساری ۱۷۲
- ۱۱۵- آقا سید حسین خوانساری ۱۷۶
- ۱۱۶- مرحوم آیت اله حاج سید محمد تقی خوانساری ۱۷۶
- ۱۱۷- آیت اله حاج سید محمد باقر خوانساری ۱۸۶
- ۱۱۸- حاج سید محمد علی خوانساری ۱۸۷
- ۱۱۹- آقا میرزا جعفر خوانساری ۱۸۸
- ۱۲۰- آقا سید ابوالقاسم خوانساری ۱۸۹
- ۱۲۱- آقا سید ابوطالب خوانساری ۱۹۱

- ۱۲۲- آقا سید احمد خوانساری ۱۹۲
- ۱۲۳- آقا سید حسن خوانساری ۱۹۲
- ۱۲۴- آقا سید خلیل خوانساری ۱۹۴
- ۱۲۵- آقا سید محمد باقر خوانساری ۱۹۴
- ۱۲۶- آقا سید ابوالفضل خوانساری ۱۹۴
- ۱۲۷- شین ابوالفضل خوانساری ۱۹۵
- ۱۲۸- حاج سید محمد رضا خوانساری ۱۹۵
- ۱۲۹- سید جمال الدین خوانساری ۱۹۶
- ۱۳۰- سید محمد صادق خوانساری ۱۹۷
- ۱۳۱- حاج میرزا محمد باقر و حاج میرزا جلال ابهری ۱۹۹
- ۱۳۲- مرحوم آیت اله حاج سید احمد خوانساری ۲۰۰
- ۱۳۳- آقا سید فضل اله خوانساری ۲۰۵
- ۱۳۴- مولانا محمد صادق خوانساری ۲۱۱
- ۱۳۵- آقا سید محمد حسن خوانساری ۲۱۲
- ۱۳۶- حاج سید یوسف خوانساری ۲۱۴
- ۱۳۷- آقا سید ابوالقاسم خوانساری ۲۱۶
- ۱۳۸- آقا سید محمد مهدی صاحب رساله ابوبصیر ۲۱۹
- ۱۳۹- آقا سید ابوالقاسم خوانساری ۲۲۰
- ۱۴۰- آیت اله آقا سید ابوتراب خوانساری ۲۲۱
- ۱۴۱- آقا سید علی خوانساری ۲۲۹
- ۱۴۲- مرحوم حاج سید حسین خوانساری ۲۳۱
- ۱۴۳- آقا سید صالح قصیر اول ۲۳۶
- ۱۴۴- میرکبیر خوانساری ۲۳۷
- ۱۴۵- پدر و جد مادر میرکبیر ۲۳۸
- ۱۴۶- حاج هژبر ۲۳۹

۲۳۹	۱۴۷- مرحوم حاج شیخ محمدحسین قودجانی
۲۴۰	۱۴۸- شیخ محمدجواد خوانساری
۲۴۱	۱۴۹- شیخ حسین انصاریان خوانساری
۲۴۲	۱۵۰- حجت الاسلام حاج شیخ هادی دوست محمدی
۲۴۳	۱۵۱- آقا شیخ محمدکاظم خوانساری
۲۴۴	۱۵۲- شیخ علی اکبر خوانساری
۲۴۴	۱۵۳- مولی علی اکبر خوانساری
۲۴۵	۱۵۴- شیخ فضل اله اعتضادی خوانساری
۲۴۵	۱۵۵- شیخ محمد علی امامی خوانساری
۲۴۸	۱۵۶- حاج شیخ محمد امامی خوانساری
۲۵۱	۱۵۷- مرحوم آقا میرزا منظور خوانساری
۲۵۲	۱۵۸- ملا میرک خوانساری
۲۵۳	۱۵۹- آیت اله حاج شیخ موسی خوانساری
۲۵۵	۱۶۰- شیخ ابراهیم خوانساری
۲۵۶	۱۶۱- شیخ ضیاء الدین خوانساری
۲۵۷	۱۶۲- شیخ زین الدین خوانساری
۲۵۹	۱۶۳- حاج شیخ علی آقا غفاری خوانساری
۲۶۰	۱۶۴- شیخ اسماعیل غضنفری خوانساری
۲۶۰	۱۶۵- حاج شیخ محمدکاظم مشایخی خوانساری
۲۶۲	۱۶۶- آقا سید محمد مهدی شهیدی خوانساری
۲۷۱	۱۶۷- شیخ احمد خوانساری
۲۷۱	۱۶۸- آیت اله سید احمد صفائی خوانساری
۲۷۳	۱۶۹- آیت اله سید مصطفی صفائی خوانساری
۲۷۷	۱۷۰- آقا میرزا یوسف حمیدی
۲۷۹	۱۷۱- مرحوم ملا محمد حسن شاکریان

- ۱۷۲- مرحوم ملا باقر شفیعی خوانساری ۲۷۹
- ۱۷۳- ملا محمد حسن جلالی حاج آخوند ۲۸۰
- ۱۷۴- حاج میرزا آقا واعظ زاده برهانی ۲۸۱
- ۱۷۵- مرحوم آیت اله ملازمین خوانساری ۲۸۲
- ۱۷۶- ملا عبداله خوانساری ۲۸۳
- ۱۷۷- حاج میرزا محمد کاظمینی ۲۸۳
- ۱۷۸- مرحوم آقا میرزا محمد ابراهیم ۲۸۴
- ۱۷۹- آیت اله آقا سید محمد صادق خوانساری ۲۸۶
- ۱۸۰- حاج میر محمد حسین خوانساری ۲۸۷
- ۱۸۱- آقا میرزا مجتبی خوانساری ۲۸۷
- ۱۸۲- آقا میرزا محمود ۲۸۸
- ۱۸۳- میرزا هدایت اله ۲۸۹
- ۱۸۴- آقا میرزا حبیب اله ۲۸۹
- ۱۸۵- آقا میرزا عطاء اله خوانساری ۲۹۰
- ۱۸۶- آقا میرزا محمد حسن خوانساری ۲۹۱
- ۱۸۷- آقا میر سید حسن خوانساری ۲۹۲
- ۱۸۸- حاج میر محمد حسین ۲۹۳
- ۱۸۹- آقا میرزا احمد خوانساری ۲۹۳
- ۱۹۰- حاج میرزا سید حسن روضاتی ۲۹۴
- ۱۹۱- آقا میر سید احمد روضاتی ۲۹۶
- ۱۹۲- حاج میرزا محمد حسین خوانساری ۲۹۸
- ۱۹۳- محمد جعفر بن سید مهدی ۲۹۹
- ۱۹۴- میرزا محمد صادق خوانساری ۲۹۹
- ۱۹۵- میر کبیر خوانساری ۳۰۰
- ولادت میر کبیر ۳۰۰

.....	شخصیت علمی میرکبیر.....	۳۰۱
.....	تقوی و تفسائیات میرکبیر.....	۳۰۱
.....	راجع به حرکت مرحوم میرکبیر.....	۳۰۲
.....	دعای سجاد میرکبیر.....	۳۰۳
.....	۱۹۶- آقا میر محمد حسین خوانساری.....	۳۰۸
.....	۱۹۷- مرحوم آقا میرزا محمد خوانساری.....	۳۰۹
.....	۱۹۸- حاج میرسیدعلی خوانساری.....	۳۰۹
.....	۱۹۹- آقا میر محمد تقی خوانساری.....	۳۱۰
.....	۲۰۰- حاج میرسید محمد خوانساری.....	۳۱۲
.....	۲۰۱- حاج میرسید علی خوانساری.....	۳۱۳
.....	۲۰۲- حاج میر سیدعلی.....	۳۱۳
.....	۲۰۳- ملا احمد خوانساری.....	۳۱۵
شعراي خوانسار		
.....	۲۰۴- آقا ربیع خوانساری.....	۳۱۷
.....	۲۰۵- آقا رضی خوانساری.....	۳۱۸
.....	۲۰۶- افسر خوانساری.....	۳۱۸
.....	۲۰۷- اسیر خوانساری.....	۳۲۷
.....	۲۰۸- محمدصادق اشرفی خوانساری.....	۳۲۸
.....	۲۰۹- دکتر حسین احمدی خوانساری.....	۳۳۴
.....	۲۱۰- احسنی خوانساری.....	۳۳۷
.....	۲۱۱- ملا صائب خوانساری.....	۳۳۸
.....	۲۱۲- شیخ یوسف خوانساری.....	۳۳۹
.....	۲۱۳- ضمیری خوانساری.....	۳۳۹
.....	۲۱۴- صدرالمشایخ اختر خوانساری.....	۳۳۹
.....	۲۱۵- امینای خوانساری.....	۳۴۵

۲۴۷	۲۱۶- بابا شوخی خوانساری
۲۴۸	۲۱۷- آقای محمود براتی خوانساری
۲۴۹	۲۱۸- بدیع خوانساری نظام الشریعه
۲۵۴	۲۱۹- یوسف بخشی خوانساری
۲۶۱	۲۲۰- بانوی شاعرده
۲۶۱	۲۲۱- تابعی خوانساری
۲۶۲	۲۲۲- تاجری خوانساری
۲۶۲	۲۲۳- پیر دهقان
۲۶۳	۲۲۴- پروای خوانساری
۲۶۳	۲۲۵- جدائی خوانساری
۲۶۴	۲۲۶- جناب خوانساری
۲۶۷	۲۲۷- تصنیفی خوانساری
۲۶۷	۲۲۸- جمال خوانساری
۲۶۷	۲۲۹- جهدی خوانساری
۲۶۸	۲۳۰- حشمتی خوانساری
۲۷۱	۲۳۱- حقی خوانساری
۲۷۲	۲۳۲- خاضع خوانساری
۲۷۴	۲۳۳- خضری خوانساری
۲۷۶	۲۳۴- خرم خوانساری
۲۷۶	۲۳۵- استاد محمدرضا خوانساری
۲۷۷	۲۳۶- درویش احمد خوانساری
۲۷۷	۲۳۷- داراب خوانساری
۲۷۹	۲۳۸- ذبحی خوانساری
۲۷۹	۲۳۹- زمان خوانساری
۲۸۰	۲۴۰- ملا رفیعاً خوانساری

۳۸۳		۲۴۱- حکیم زلالی خوانساری
۳۹۲		۲۴۲- احمد سهیلی خوانساری
۳۹۶		۲۴۳- مهدی سهیلی خوانساری
۳۹۷		۲۴۴- سمیع خوانساری
۳۹۷		۲۴۵- سرور خوانساری
۳۹۸		۲۴۶- سعید خوانساری
۳۹۹		۲۴۷- سروری خوانساری
۴۰۰		۲۴۸- سالک خوانساری
۴۰۱		۲۴۹- سحری خوانساری
۴۰۱		۲۵۰- ساعی خوانساری
۴۰۷		۲۵۱- شیخ الاسلام خوانساری
۴۰۸		۲۵۲- دکتر صالحی
۴۰۹		۲۵۳- شهیدی خوانساری
۴۱۰		۲۵۴- شعیب خوانساری
۴۱۱		۲۵۵- شاه کرم خوانساری
۴۱۲		۲۵۶- شاه مراد خوانساری
۴۱۳		۲۵۷- صبحی خوانساری
۴۱۶		۲۵۸- صبور خوانساری
۴۱۷		۲۵۹- طاعتی خوانساری
۴۱۸		۲۶۰- طلوعی خوانساری
۴۱۸		۲۶۱- صفائی خوانساری
۴۱۸		۲۶۲- صفای خوانساری
۴۱۹		۲۶۳- غوغای خوانساری
۴۲۰		۲۶۴- عبدالله خوانساری
۴۲۱		۲۶۵- عندلیب خوانساری

۴۲۱	۲۶۶- فنائی خوانساری
۴۲۵	۲۶۷- فکری خوانساری
۴۲۵	۲۶۸- فروزش خوانساری
۴۲۶	۲۶۹- قاضی سعید خوانساری
۴۲۷	۲۷۰- قاضی نظام الدین خوانساری
۴۲۸	۲۷۱- قاضی داوری
۴۲۸	۲۷۲- قاضی زین العابدین
۴۲۹	۲۷۳- قاضی امین خوانساری
۴۲۹	۲۷۴- قاضی جمال خوانساری
۴۳۰	۲۷۵- قاضی حسین خوانساری
۴۳۱	۲۷۶- کمال خوانساری
۴۳۲	۲۷۷- کوثری خوانساری
۴۳۲	۲۷۸- محشری خوانساری
۴۳۳	۲۷۹- مداح خوانساری
۴۳۴	۲۸۰- میرجذبی خوانساری
۴۳۵	۲۸۱- میرزا احمد شاعر خوانساری
۴۳۵	۲۸۲- ناجی خوانساری
۴۳۶	۲۸۳- مقصود خوانساری
۴۳۶	۲۸۴- ملا افسری
۴۳۶	۲۸۵- ملا ملک صانعی خوانساری
۴۳۷	۲۸۶- مدهوش خوانساری
۴۳۷	۲۸۷- مشربی خوانساری
۴۳۷	۲۸۸- مطرب خوانساری
۴۳۹	۲۸۹- مخفی خوانساری
۴۳۹	۲۹۰- میرزا محمد سلطانی

۴۳۹		۲۹۱- دکتر مرتضی مشایخی
۴۴۲		۲۹۲- دکتر محمد مشایخی
۴۴۲		۲۹۳- آقا محمد
۴۴۳		۲۹۴- مجرم خوانساری
۴۴۳		۲۹۵- ناجی خوانساری
۴۴۳		۲۹۶- هالک خوانساری
۴۴۴		۲۹۷- هلالی خوانساری
۴۴۵		۲۹۸- واصب خوانساری
۴۴۵		۲۹۹- وصلی خوانساری
۴۴۵		۳۰۰- همایون خوانساری
۴۴۷		۳۰۱- یوسفا خوانساری
خطاطان خوانساری		
۴۴۸		۳۰۲- صانعی خوانساری
۴۴۸		۳۰۳- سید محمد هاشم خوانساری
۴۴۸		۳۰۴- میرزا محمد خوانساری
۴۴۹		۳۰۵- محمد حسن خوانساری
۴۴۹		۳۰۶- احمد خوانساری
۴۵۰		۳۰۷- حسن خوانساری
۴۵۱		۳۰۸- زین العابدین خوانساری
۴۵۱		۳۰۹- علی ابن محمد خوانساری
۴۵۲		۳۱۰- محمد باقر خوانساری
۴۵۲		۳۱۱- محمد ابراهیم خوانساری
۴۵۲		۳۱۲- محمد بن مصطفی خوانساری
۴۵۳		۳۱۳- محمد علی خوانساری
۴۵۳		۳۱۴- سید محمود خوانساری

۴۵۴	۳۱۵- عبدالحسین خوانساری
۴۵۵	۳۱۶- میرزا عطاءاله بن محمدباقر خوانساری
۴۵۵	۳۱۷- حاج میرابوالقاسم خوانساری
۴۵۵	۳۱۸- میرعظیم خوانساری
۴۵۶	۳۱۹- مولی خندان خوانساری
۴۵۶	۳۲۰- ابوالقاسم خوانساری
۴۵۶	۳۲۱- محمد خوانساری
۴۵۸	۳۲۲- ملا غلامحسین اشرف الکتابی خوانساری
۴۵۸	۳۲۳- ملا علی اشرف الکتابی
۴۵۸	۳۲۴- ملا محمود اشرف الکتابی
۴۵۸	۳۲۵- ملا عبدالوهاب اشرف الکتابی
۴۵۸	۳۲۶- ملا عبدالمجید سعادتیار خوانساری
۴۵۹	۳۲۷- محمد باقر اشرف الکتابی
۴۶۰	۳۲۸- قاسم علی خوانساری
۴۶۱	۳۲۹- میرزا محمدعلی خوانساری
۴۶۱	۳۳۰- ملا محمدباقر رفیعی
۴۶۱	۳۳۱- آقا میرزا یوسف میرشامولایی
۴۶۱	۳۳۲- ملا محمد رفیع خوانساری
۴۶۱	۳۳۳- سیداسداله خوانساری
۴۶۱	۳۳۴- مرحوم محمود محقق خوانساری
۴۶۳	۳۳۵- یداله کابلی خوانساری

معارف خوانسار

۴۶۶	۳۳۶- ادیب خوانساری
۴۶۹	۳۳۷- بقعه بابا ترک
۴۷۰	۳۳۸- میرزا ابوالقاسم طبیب

۴۷۲	 ۳۳۹- دکتر احمد حکیمیایی
۴۷۴	 ۳۴۰- نامه نگارنده و انشاء حکیمباشی
۴۷۶	 ۳۴۱- پرویز خوانساری
۴۷۸	 ۳۴۲- دکتر محمد خوانساری
۴۷۹	 ۳۴۳- حاج سید مصطفی سجادی خوانساری
۴۷۹	 ۳۴۴- حاج شیخ غلامرضا خوانساری
۴۸۰	 ۳۴۵- شیخ مولی جمال الدین
۴۸۱	 ۳۴۶- بقعه پیر شیخ ملا عدنان
۴۸۲	 ۳۴۷- ملا ابوالقاسم معلمی
۴۸۳	 ۳۴۸- شیخ اسماعیل بن شیخ الاسلام
۴۸۴	 ۳۴۹- شیخ ابوالقاسم خوانساری
۴۸۴	 ۳۵۰- شیخ محمدحسن خوانساری
۴۸۴	 ۳۵۱- شیخ میرزا حسن قاضی عسگر
۴۸۶	 ۳۵۲- حاج شیخ محمدحسین خوانساری
۴۸۷	 ۳۵۳- میرزا محمود صدر
۴۸۹	 ۳۵۴- حسن صدر خوانساری
۴۹۰	 ۳۵۵- ناظم الشریعه خوانساری
۴۹۲	 ۳۵۶- شهاب خوانساری
۴۹۳	 ۳۵۷- شیخ محمود خوانساری
۴۹۸	 ۳۵۸- محمدحسن رفیعی خوانساری
۴۹۹	 ۳۵۹- معتمد خوانساری
۵۰۰	 ۳۶۰- شیخ محمدعلی صدیقی (مدیر)
۵۰۱	 ۳۶۱- میرزا محمود عظیمی
۵۰۲	 ۳۶۲- سید محمود امیر عظیم
۵۰۳	 ۳۶۳- سید عبدالعظیم عظیمی

۵۰۴	۳۶۴- ملا علی اکبر خوانساری
۵۰۴	۳۶۵- ملا محمد مهدی فاضل
۵۰۵	۳۶۶- محمد حسن فاضلی
۵۰۵	۳۶۷- لطفی خوانساری
۵۰۵	۳۶۸- محمد باقر طیبی
۵۰۶	۳۶۹- میرزا محمد باقر مهدوی
۵۰۶	۳۷۰- محمود خوانساری
۵۰۷	۳۷۱- حاج محمد ابراهیم خوانساری
۵۰۸	۳۷۲- محمود محمودی خوانساری
۵۰۹	۳۷۳- میرزا حبیب اله خان خوانساری
۵۱۱	۳۷۴- دکتر محمد زهرائی
۵۱۴	۳۷۵- نجفی خوانساری
۵۱۴	۳۷۶- دکتر محمدرضا نوری خوانساری
۵۱۵	۳۷۷- میرزا حسین واعظ زاده خوانساری
۵۱۷	۳۷۸- حکیم الهی میرزا حسین
۵۱۷	۳۷۹- میرزا محمد علی واعظ زاده حکیم الهی
۵۱۹	۳۸۰- علی محمد آزاد خوانساری
۵۲۰	۳۸۱- محمد صادق خوشنویس خوانساری
۵۲۰	۳۸۲- محمد صادق بن حسین خوانساری
۵۲۰	۳۸۳- محمد صادق بن محمد رضا خوانساری
۵۲۰	۳۸۴- محمد صادق خوشنویس
۵۲۵	۳۸۵- سید کاظم قریشی
۵۲۵	۳۸۶- حاج میرزا یوسف مهدویانی
۵۲۵	۳۸۷- حاج میرزا محمد باقر محسنی
۵۲۶	۳۸۸- ملا محمد باقر سمیعی خوانساری

- ۳۸۹- شیخ میرزا احمد بردبار خوانساری ۵۲۶
- ۳۹۰- ملا عبدالمجید سعادتیار ۵۲۶
- ۳۹۱- شیخ محمد صادق ۵۲۶
- ۳۹۲- شیخ محمد باقر مشایخی ۵۲۷
- ۳۹۳- محمد ابراهیم ادیب ۵۲۷
- ۳۹۴- دکتر انوش خوانساری ۵۲۷
- ۳۹۵- میرزا ملا حبیب اله منصوری ۵۲۸
- ۳۹۶- سیدکمال الدین خوانساری ۵۲۸
- ۳۹۷- شیخ محمدعلی مدرک ۵۲۸
- ۳۹۸- سیدعلی فخرائی ۵۲۸
- ۳۹۹- شیخ احمد کروی خوانساری ۵۲۸
- ۴۰۰- ملا محمد علی اسراری خوانساری ۵۲۹
- ۴۰۱- حافظ سعداله خوانساری ۵۲۹
- ۴۰۲- ملا محمد ابراهیم سمعی ۵۲۹
- ۴۰۳- حاج سیدهاشم غضنفری ۵۳۰
- ۴۰۴- آقا شیخ محسن امینی ۵۳۰
- ۴۰۵- میرزا فخرالدین خوانساری ۵۳۰
- ۴۰۶- دکتر عبدالحسین زرین کوب ۵۳۰
- ۴۰۷- دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی ۵۳۱
- ۴۰۸- ملا علی شجاع خوانساری ۵۳۱
- ۴۰۹- شیخ عبدالعال خوانساری ۵۳۱
- ۴۱۰- سیدصدرالدین محمدی خوانساری ۵۳۲
- ۴۱۱- آقا میرزا یوسف صدری خوانساری ۵۳۲
- ۴۱۲- حاج میرعلی اصغر نوری خوانساری ۵۳۳
- ۴۱۳- آخوند ملا محمد علی حکیم ایمانی ۵۳۳

- ۴۱۴- آیت اله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی ۵۳۴
- ۴۱۵- حجت الاسلام آقا سید محمد کمالی ۵۳۴
- ۴۱۶- دکتر نجفقلی حبیبی خوانساری ۵۳۴
- ۴۱۷- حاج سیدمرتضی صالحی خوانساری ۵۳۴
- ۴۱۸- حاج شیخ حسین شریعتی ۵۳۵
- ۴۱۹- حاج شیخ قدرت اله مشایخی ۵۳۵
- ۴۲۰- حاج شیخ زین العابدین مشایخی ۵۳۵
- ۴۲۱- حاج شیخ حسن حکیمباشی خوانساری ۵۳۵
- ۴۲۲- کتابفروشان خوانساری ۵۳۶
- ۴۲۳- مرحوم حاج سید محمد بنی هاشمی خوانساری ۵۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم و الحمد لله رب العالمین

والسلام والصلوة علی سیدنا و مولانا حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم
و الائمه المصومین علیهم السلام خصوصاً قلب عالم امکان حضرت امام زمان
علیه الملک المنان.

از خداوند متعال مدد می طلبم که مرا آنی بخود و امگذار و مورد عنایت و بنده نوازی خود
قرار دهد. و در ظلّ برحمات حضرت امام زمان و آباء و اجداد گرامیش بتوانم دهمین کتاب
خود را بنام رجال نامی و علماء بزرگ خوانسار را تدوین و به چاپ برسانم و در اختیار
علاقمندان و دانشمندان و فرهنگ دوستان و همشهریان محترم قرار دهم بعون الله تعالی
اینجانب سید مجتبی بنی هاشمی فرزند مرحوم حاج سید محمد بنی هاشمی خوانساری در
تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۲ شمسی با بعرضه وجود گذاشته ام از ابتدای عمر در منتهای ضعف و
بی حالی و بیماری بوده ام که مادرم با زحمات شبانه روزی خود که یک میلیونیم آنرا قادر به
جبران نبوده ام را پرورش داد و چون شیر هم نداشت مرا به دایه ئی که در همسایگی منزل
خود در خوانسار بود هر روز میامد منزل و مرا شیر میداد خدایش بیامزد. و بقیه زحمات
روزمره را خودش متحمل میشد تا با خواست خداوند متعال از بلایای روزگار مصون
ماندم.

پس از گذراندن کودکی مرا به مدرسه فرستادند و آن زمان پدر بزرگم بنام شیخ
محمد علی مدیر (صدری) معلم همان مدرسه بود و در همان مدرسه مشغول و زیر نظر
ایشان بودم تا کم کم مدارج و کلاسها را طی نموده و ششم ابتدایی و دوره دبیرستان را
ناسال پنجم در خوانسار گذراندم و از مدرسین بزرگی چون مرحوم شیخ محمد حسن
رفیعی آقا میرزا محمد باقر مهدوی و حاج آقا تقی علوی و مرحوم شیخ محمد ابراهیم
سمیعی که در تابستانها برای فراگیری قرآن و نصاب تدریس میکرد پرورش یافتم خداوند
همه آنها را غریق رحمت فرماید.

ایام تحصیل را در دبستان و دبیرستان گذرانیدم و با داشتن کارهای خانه که کمک کار پدر و مادرم بودم فعالیت نسبتاً خوبی داشتم و چون پدرم باغها و املاک زیادی داشت مرا برای سرکشی به آنها و رعایا و انجام امور اداری در شهرهای داران و گلپایگان و خوانسار و امیداشت و علاوه بر آن کارهای درسی و فرهنگی در دبیرستان از قبیل پیش نویسی اجرای تائر و نوشتن روزنامه دیواری دبیرستان که بهمین خاطر تشویق نامه‌ئی از طرف رئیس فرهنگ روز برای فعالیت بیشتر صادر میشد که فتوکپی آنها ارائه میشود. (نمایه ۱ و ۲ و ۶)

سال ششم دبیرستان در رشته ادبی را در تهران دبیرستان اقبال آشتیانی نزد استادان بزرگی چون دکتر سیدجعفر شنیدی و استاد جعفر شعار و دیگران در دروس مختلف گذرانده و دیپلم ادبی را گرفته و در کشور دانشکده شرکت کردم که موفق نشدم و همان زمان در قرعه کشی نظام وظیفه نام نویسی کردم که با دعای پدر و مادرم از نظام هم معاف شدم و بخوانسار مراجعت نمودم.

در مهرماه سال ۱۳۳۸ در امتحان ورودی بانک ملی شرکت و نفر اول قبول و در بانک مشغول کار و خیلی زود مدارج کارمندی را طی نموده و سال دوم اشتغال کلید یکی از صندوقهای بانک را تحویل دادند و بحمداله در مدتی که خوانسار بودم منشأ کارهای خدماتی بسیاری در خوانسار بودم و مرضی خود و خدای خود می دانم و تا حال سرافراز و شادمانم.

در همان تاریخ با صبیّه حضرت آیت اله ابن الرضا ازدواج کردم که جز عنایت و مراحم الهی چیزی نمیدانم.

دیگر از کارهایی که مرا مشغول میکرد مهمانداری و پذیرایی از مهمان بود که پدرم علاقه مفراطی به مهمانداری داشت و روز و شبی نبود که در منزل مهمان خودی و بیگانه نداشته باشیم و من مامور فراهم کردن کلیه مایحتاج پذیرایی بودم از آوردن میوه از باغها و خرید از بازار و پذیرایی از آنها بعهده من بود.

دیگر جمع آوری محصول و گرفتن و حمل اجاره‌های املاک خوانسار قره بلطاق و

گلبایگان که هر کدام اوقات مرا مشغول و رضایت پدرم را تامین میکرد.

در کارهای اجتماعی هم پیشرو بودم و جلساتی در شبهای دوشنبه هر هفته در مسجد آقا اسداله تفسیر قرآن وسیله دبیر محترم آقای حاج سیدعباس هدایتی اصفهانی و شبهای جمعه دعای کمیل و شرکت در جلسه قرائت قرآن ماه رمضان که حدود پنجاه نفر از جوانها و دانش آموزان و دانشجویان و افراد متدین شهر را جمع نموده و تاکنون هم اثراتش در ذهن و فکر آنها مانده و قدردانی مینمائید.

در تاریخ ۲۸/۷/۱ مدت در بانک ملی مشغول کار شدم از همان اول کار حسابداری را تحویل نمودند و پس از دو سال طی نامه قسمت بروات و وام و اعتبارات شعبه خوانسار را واگذار کردند و مدت ۸ سال با فعالیت هرچه بهتر و پرکارتر امور اعتباری و وام و بروات شعبه خوانسار را اداره نمودم و به مردم خوانسار خدمت کردم و بحمدالله با دامن پاک و سرفراز از خوانسار به قم منتقل شدم.

در خوانسار مواظب خلافهای دیگران بودم بطوریکه با جرئت و جسارت خلافهای روسای وقت را گزارش میدادم. و بحمدالله نتیجه مطلوب هم میگیرفتم یکی از موارد شخصی آمد رئیس بانک ملی خوانسار شد و از روز اول دستور داد که مشتریان وام و اعتباری را برای تصویب مبلغ وام به ایشان معرفی کنم ایشان هم از مشتری تقاضای مبلغی میکرد و کارشان را راه می انداخت و من از نزد ایشان که برمی گشتند یک یک از مبالغی که از آنها اخذ می کرد یادداشت میکردم وقتی تعداد آنها به چهل نفر رسید در کمال شهامت به تهران تلگراف کردم که چون متصدی اعتبار و وام شعبه هستم و مسئولیت دارم آقای رئیس شعبه فعلی از مردم اخاذی میکند و بنده مسئول نیستم، شاید ۳ روز بعد بازرس آمد و بانک را تحویل گرفتند و پس از بازرسی کامل که ۱۵ روز طول کشید و طبق صورتی که از من گرفتند یک یک مشتریها را که مبلغی بعنوان رشوه داده بودند خواستند و از آنها شفاهاً ثابت کردند و شخص مذکور را معلق و به تهران اعزام نمودند و برای ریاست جدید شخص دیگری را فرستادند. عده‌ئی از آنها بی که شبها با رئیس بانک قمار میکردند جمع شدند و از بازرسها تقاضای گذشت و برقراری او کردند و گفتند که متصدی فعلی اعتبارات

وام برای پدرش که مالک و زارع است و اعتبار برقرار کرده بازرسان همان زمان دستور دادند پرونده اعتباری پدرم مرحوم بنی هاشمی را خواستند اولین ورقه‌ئی که در پرونده بود این درخواست بود که به بانک ملی مرکز نوشته بود که شما بانک ملی را در خوانسار تاسیس کنید اگر ضرر کرد من ضامن آن هستم آقایان بازرسان گفتند این آقا با این نوشته ارث بر بانک است نه اعتبار دار بانک و به کارشان ادامه دادند پس از ده سال که در خوانسار خدمت کردم بعلت امور سیاسی و جریال سال ۴۴ که فوت مرحوم آقا کاظم قریشی در زندان واقع شد در تهران و قم و همچنین خوانسار مجالس ترحیم برقرار شد و در خوانسار عده زیادی در حدود دویست نفر از علما و طلاب برای شرکت در مجلس که در مدرسه مریم‌بگم مجلسی ترتیب داده بودند شرکت کرده و با سخنرانی آیت اله خزعلی و حاج انصاری شیرازی که با حرارت هرچه بیمار برگزار کردند شب را در منزل بنده که تهیه دیده بودم پذیرایی نموده و این مجلس را پیرهن عثمان کردند و مرا به دردسر انداخته و چند روزی در اصفهان و تهران و سازمان امنیت بازپرسی نمودند و بحمداله تبرئه شدم و از آن پس پیشنهاد رفتن از خوانسار به شعب اطراف می نمودند و چون مادرم در قم ساکن بود برای سرپرستی ایشان قم را انتخاب کردم مدت ۷ سال در بانکهای ملی قم خدمت نمودم. در شهرستان قم هم به کارم آشنا و جسور بودم و کارهای خلاف دیگران در هر پست و مقامی بودند برملا میکردم و از سوءاستفاده مالی آنها جلوگیری می نمودم و بدون اعتنا به پست و مقام کارهایی که بوقوع می پیوست و بنظم خلاف بود گزارش میدادم و بعد که ثابت میشد از مرکز شفاهاً و کتباً تشویق میکردند منجمله در قم زمینی در خیابان تهران خریده بودم به متری دو هزار ریال و همان زمان شنیدم که رئیس وقت بانک ملی در همان حوالی برای ساختمان بانک زمینی خریده به متری شش هزار ریال جویا شدم متوجه شدم که نزدیک زمین خریداری شده من بود به تهران گزارش دادم و فردای آن روز بازرس آمد ابتدا خودشان به ناحیه زمین خریداری شده رفته و از بنگاهها و افراد بومی پرسیده بودند که قیمت زمین را معلوم کنند که بهاء آن همان مقداری بود که بنده خریده بودم وارد بانک شدند و پس از بازرسی رئیس وقت را در اختیار تهران گذاشتند و بنده را شفاهاً مورد تقدیر

قرار دادند با خواست خداوند متعال و لطف و محبت امام رئوف حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) و کمک مرحوم سید محمد جاوید که از دوستان زمان پدرم بود موافقت شد و به مشهد مقدس منتقل شدم و از اول سال ۱۳۵۵ وارد مشهد و خود را به بانک معرفی نموده مشغول کار شدم و از آن به بعد از هر جهت مادی و معنوی در حضور حضرت رضا (ع) پس از سی سال خدمتگزاری با دامنی پاک و روحی تابناک بازنشسته شدم در مشهد هم آرام نبودم و چند مورد که در شعب مختلف می دیدم و بنظرم خلاف بود گزارش میدادم و به نتیجه مثبت می رسیدم که موقعیت شرح همه آنها نیست تا در تاریخ ۶۸/۷/۱ در مشهد بازنشسته شدم و پس از مدت کمی تحقیق مغازه کتابفروشی حقوقی بنام یلدا اجاره و افتتاح نمودم و بکار شروع نموده و تاکنون با وسعت بیشتری مورد اطمینان و اعتبار تعداد ۵۰ واحد انتشاراتی تهران و قم گردیده و در اغلب نقاط ایران مورد توجه دانشجویان و استادان گرامی دانشکده حقوق و وکلاء این ناحیه شده ام که باید عرض کنم (هذا من فضل ربی) بیاد دارم که پس از فوت پدرم که منزل ایشان مامن همه علما و بزرگان و مبلغین از جمله مرحوم صدرائی اشکوری حاج شیخ عباسعلی اسلامی، آقای فیروزیان اصفهانی آقای رهبر مرحوم محقق خراسانی مرحوم مدقق خراسان، حاج انصاری قمی و دیگران در همه اوقات مخصوصاً در تابستان که به خوانسار می آمدند در منزل ایشان پذیرایی می شدند.

بعد از آن هم چون هنوز در خوانسار جایی که مناسب پذیرایی علما و واردین باشد نداشت به منزل ما می آمدند و پذیرایی میشدند از جمله آیت اله خزعلی و سید محمد رضا سعیدی خراسانی و آیت الله احمدی نقدبری و حاج انصاری شیرازی بودند و تا زمانی که موسسه علمی حضرت ولی عصر (ع) در خوانسار وسیله حضرت آیت اله ابن الرضا ساخته و آماده نشده بود اغلب واردین در منزل ما بودند و همواره مورد نظر مامورین واداشته ساواک هم بودم ولی از آنجایی که خیلی با جرئت و از پیش آمدهای سیاسی باکی نداشتم بحمدالله خداوند هم محافظت و مرا از هرگونه نقشه و برخوردی نگهداری فرموده و خدای را سپاس که از هر جهت آبرو و حیثیت مرا حفظ و مورد عنایت قرار داد.

از سال ۱۳۶۵ شمسی که به کار تالیف و تصنیف و جمع‌آوری مدارک آنها پرداختم

به ترتیب کتابهای

۱- لطیفه‌های ادبی

۲- لغتنامه زبان خوانساری

۳- برگهای زرین ادب فارسی

۴- دستور زبان خوانساری

۵- راهنمای عناوین حقوقی

۶- راهنمای عناوین عمومی

۷- ضرب‌المثل‌های خوانساری

۸- فرهنگ فارسی عربی

۹- جنگ مروارید را تدوین و همه را به چاپ رسانده و انتشار داده‌ام

و کتابهای رجال نامی و معاریف و تاریخ جغرافیای خوانسار که دهمین آنهاست بزودی

منتشر خواهد شد. و انشاءاله چندین اثر دیگر از جمله

۱- احادیث کوتاه ائمه چهارده معصوم علیهم السلام

۲- شرح حال مختصر ائمه و مذایح شعراء زمان

۳- تعداد ۳۰۰ ماده تاریخ و ۳۰۰ معمای نثری و شعری

۴- انشاء و اطلاعات عمومی بطور مختصر

۵- ۱۱۰ دلیل قرآنی و حدیثی در شأن و مقام حضرت علی (ع)

۶- تقاس خون امام حسین (ع)

۷- آدرس اسامی بزرگان و دانشمندان ایران

۸- تاریخ و تقویم صدساله که در دست تدوین دارم

۹- برگهای سیمین نثری ادب فارسی

از خدای بزرگ می‌خواهم که توفیق انجام آنرا عطا فرماید. انشاءاله

در خاتمه این قطعه شعر از مرحوم ملک الشعراء بهار بنظر همگان میرسانم که برای آن

مرحوم طلب مغفرت شده باشد.

عمری بیاد رفت و بجاماند این کتاب
ای مهربان رفیق که خواندی کتاب من
گر عیبی اندر آن نگری عیب پوش باش
با اینهمه معافی و این سبک و انسجام
با مردگان خریش مروت کنید از آنک
شعر بهار مانند بهار نام نامیش
تا سالها بماند و یادش سرآورد

چون جلد اول رجال نامی خوانسار در دست چاپ و انتشار است از عموم فرهنگیان و دانش دوستان و همشهریان عزیزم درخواست دارم که چنانچه از افرادی در منصب های مختلف و معارف شهر خوانسار در هر کجای دنیا اطلاعی در دست دارند از آقایان دکترها، وکلا، مدرسین دانشگاهها و دبیرستانها، مهندسین خدمتگذار در سطح کشور و روسای ادارات و مراکز دولتی که منتسب به شهر خوانسار باشند بیوگرافی و شرح حال آنها ولو مختصر باطلاع اینجانب سیدمجتبی بنی هاشمی خوانساری به آدرس مشهد مقدس خیابان سعدی سعدی ۲۰، پاساژ مهناب کتابفروشی یلدا ارسال نمایند تا در جلد دوم رجال نامی خوانسار چاپ شود قبلاً از همکاری دوستان و آشنایان کمال تشکر را دارم و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین

این اثر بیادماندنی را به ساحت مقدس حضرت امام زمان مهدی موعود عجل اله تعالی فرجه الشریف و عالم آل محمد (ص) حضرت علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء تقدیم می دارم.

و از جناب آقای مدقق که در تایپ و تنظیم این اثر زحمت فراوان کشیده اند تشکر میکنم خداوند به ایشان و همکارانشان جزای خیر بدهد.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق الانسان من العدم و علمه البيان والقلم و علم الانسان ما لم يعلم و الصلوه على الاكرم ولد ادم سيد العرب و العجم النبي الخاتم و الرسول الافخم حضرت محمد (ص) المبعوث على جميع الامم و على آله الطاهرين المعصومين و العن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله اعتصمت بالله و توكلت على الله العلي العظيم در مقدمه كتابی كه در پیش رو دارید بهتر است مقداری در مقام علم و عالم مطالبی زینت بخش كتاب نمایم علما و دانشمندان ارکان چهارگانه دین و اجتماعند كه حضرت علی علیه السلام فرموده قوام الدین به اربع.

۱- به عالم ناطق مستعمل له ۲- به غنی لا ینحل بفضلہ علی اهل دین الله ۳- به فقیر یبیع آخرته بدنی ۴- به جاهل لا یتکبر عن طلب العلم.

قرآن کریم ناطق، اعتبار علما را در آیت شهد الله ان لا اله الا هو الملائكه و اولو العلم قرین خود و فرشتگان قرارداد است و باز فرموده انما یخشى الله من عباده العلماء كه خوف و خشیت از خداوند را مخصوص آنها قرار داده و باز فرموده یرفع الله الذین آمنوا منكم و الذین اوتوا العلم درجات آنها را در علو مرتبه و بلندی درجه و مقام معرفی نموده است. پیغمبر اکرم (ص) درباره این سلسله فرموده مثل عالم به عابد مانند خورشید عالمتاب است به ستاره سها كه كم نورترین ستارگان است و احادیث زیادی درباره علما وارد شده است.

شعرا و سخن سرايان هم در مدح و عظمت علم و عالم اشعار و گفته های بسیاری ابداع کرده اند شاعری سروده است.

آنرا كه فضل و دانش و تقوی مسلم است	هر جا قدم نهد قدمش خیر مقدم است
در پیشگاه علم مقامی رفیع نیست	از هر مقام و مرثیه ثنی علم اعظم است
جاهل اگرچه گشت مقدم موخر است	عالم اگرچه زاد موخر مقدم است

جاهل به روز فتنه ره خانه گم کند عالم چراغ جامعه و چشم عالم است روزی که چهارمین نایب خاص حضرت بقیه الله الاعظم (عج) در سال ۳۲۹ هـ از دنیا رفت به امر آن حضرت مسئولیت بزرگی رهبری و هدایت مردم را بر عهده علما گذاشت و از آن زمان تا همیشه علما و دانشمندان جهان پیشرو و رهبر جامعه بوده و هستند و خواهند بود لذا در همه دورانها در معرفی علما و دانشمندان و شعرا و سایر صنوفی که در راه ارائه علم و دانش خود را فدا نمودند کتابها و معرفی نامه های زیادی به اسامی مختلف نوشته اند و در دسترس عموم قرار داده اند در بیشتر کتابهای رجال و شرح حال علما بزرگ که مطالعه میشود بطور کلی اسامی و معرفی آنها را یا به حروف ابجد یا بنام شهرهای مربوطه یا بصورت جداگانه مختصر یا کامل شرح و بسط داده اند.

اینجانب با نداشتن اطلاعات و علم رجال به فکر افتادم از روی کتب مختلف اسامی و شرح حال علما و دانشمندان و شعرا شهرستان خوانسار را جمع آوری نموده و در یک جلد کتاب تدوین و در دسترس عموم قرار دهم و این الگویی باشد که هرکس بتواند جداگانه اسامی علما و بزرگان شهر را تدوین و تنظیم نماید.

دکتر کریمان استاد جغرافیا گفته است

تاریخ هر شهر در حکم شناسنامه آن شهر است همانطور که یک انسان اگر شناسنامه نداشته باشد شخص ناشناخته و مجهولی است در مورد شهرها هم به همین روال است شهرهایی که اهمیت و شهرتی دارند همه تاریخ دارند بعضی از شهرها دو یا سه یا چهار تاریخ دارند.

همانطوریکه شخصیتهای بزرگ علمی سلسله نسب خود را حفظ میکنند شهرهای بزرگ هم تاریخ متعدد دارند مثل مکه، کوفه، مدینه، نیشابور که هر کدام چندین تاریخ دارند و این تواریخ گذشته آنها را نشان میدهد مثلاً ری، نیشابور که از آن شهرها رجال یا نام و یا شهرت برخاسته اند.

اسامی علما و صنوف مختلف که در این کتاب آمده شاید نواقصی هم از نظر تاریخ و شرح حال و احوال داشته باشد که انتظار میرود پس از مطالعه دقیق هرکس در هر مورد

مطلبی بنظرش رسید یادداشت و در اسرع وقت اعلام نماید تا در چاپهای بعدی اعمال گردد.

توجه اسلام به کتاب و نگارش

با توجه به عنایت خاصی که اسلام به علم و دانش داشته سعادتمندی را از علما میداند علاوه بر اینکه معجزه پیامبر اسلام خود کتابی است که در اسلام از ویژگی خاصی برخوردار است که به ندارد تحقیق علما و دانشمندان است امام صادق فرمود کتابهای خویش را نگاهدارید بروی به آنها احتیاج پیدا خواهید کرد.

حضرت رسول (ص) فرموده المومن اذا مات و ترکه ورقه واحده علیهما علم تکون تلک الورقه یوم القیامه سترأ فمابینه و بین النار و اعطاء الله تبارک و تعالی بکل حرف مکتوب علیهما مدینه واسع من الدنیا سمع مرات یعنی هرگاه مومن پس از مرگ خود تنها برگ کاغذی که بر روی آن علمی نوشته باشد از خود بجای گذارد آن ورقه در روز قیامت پوششی بین او و آتش خواهد بود و خدای برگ در جهان دیگر به هر حرفی که روی آن نوشته شده شهری به او عطا خواهد کرد.

از عبدالله عمر نقل است که به رسول خدا (ص) گفتم آیا علم را باید نگه داریم فرمود علم را با نوشتن آن حفظ کنبد چون که گفته اند کل علم لیس فی المرطاس ضاع و گل حرف جاوز الاثنین شاع و باز به پیغمبر گفته شده که آنچه از تو میشنویم به رسم فرمود بلی همانا من در هر حال جز حق چیزی نمی گویم لازم است نوشته شود.

نقل از ص ۲ مجله کیهان اندیشه شماره ۴۸

این جهان ناپایدار گذرگاه میلیارد ها انسانی است که روزی چشم گشوده اند و چند سالی زیسته و آنگاه رخت بر بسته اند در طول این سالیان دراز گروه های انسانی و اجتماعات بشری در بخشهایی از این کره خاکی شاهد حاکمان و نظامهای گوناگونی بوده اند که از آنها جز نامی و یادی در کتابهای تاریخی چیزی بر جای نمانده است.

امروز به ندرت از آن همه آثار و ابنیه که نمایشگر قدرت هنر و شکوه ظاهری بودند نقشی و یا سنگی میتوان یافت تنها میراث جاودان و ماندگاری که نسلهای پسین از پیشینیان خویش

بیادگار برده‌اند آثار علمی و فرهنگی آنان است زیرا هر نسلی برای تربیت و رشد خویش نیاز به نگرهبانی و انتقال و خلق این آثار دارد.

(نقل از ص ۸۵ مجله کیهان اندیشه ۴۵)

باتوجه به وسعت و تنوع معارف اسلامی که در طول قرن‌ها توسط عالمان دینی در رشته‌های مختلف بالیده و هرکدام به تناسب زمان خود ثمر داده است و با در نظر گرفتن این نکته که در هر شعبه از شعبه‌های علمی برجستگی روشنگر و فرزانه‌گانی نوآور ظهور کرده‌اند لازم است سیره علمی و عملی آنان مورد مطالعه قرار گیرد یعنی علاوه بر زندگی‌نامه‌های معمولی که در کتب تراجم و رجال و کتب اخلاقی مطرح شده‌اند ضروری است که بررسی و تحقیقی جهت تعیین نحوه جهات فکری و روش‌شناسی علمی این بزرگان به عمل آید باشد که چراغی فراهم طالبان علم گردد که متأسفانه درباره تاریخ و تحولات فکری علما و مفسرین و فلاسفه و عرفا و فقها و اصولیان و رجالیون مبلغان و خصوصاً شیعه کمتر تاکنون به آن پرداخت شده است (بویژه در مناطق کمتر شناخته شده مانند سرزمین خوانسار و نواحی آن)

نقل از ص ۲ مجله کیهان اندیشه جلد ۴۶

شگفتیهای دانش بشری و پیشرفتهای شگرف علم و اندیشه نتیجه تلاش و کوشش عمر و نسل حاضر نیست بلکه حاصل دگرگونی و رشدی است از دوره‌های گذشته برای آیندگان به میراث می‌رسد.

هر نسلی دانستن و اندیشه‌ئی را کشف و دریاد می‌پرورد و به نسل‌های بعد از خود می‌سپارد و بدینگونه روح علمی در حیات بشر دمیده می‌شود بنابراین دانشوران و اندیشمندان هر عصری می‌بایست خود را مرهون دانشمندان پیشین بدانند زیرا عقاید و معارف و فرهنگ اقوام نتیجه همت و پایمردی گذشتگان است و هر نسلی برای ساختن خویش بدان نیازمند است و لازم است برای هرکدام از آنها بزرگداشتی در خور و شایسته آنان برگزار گردد و مقام علمی هریک را جهت اطلاع آیندگان روشن گردانند.

آقای دکتر محمدجواد مشکور درباره تاریخ و شرح حال دانشمندان و علما هر دیاری

چنین اظهار کرده‌اند.

اگر ملتی تاریخ خود را از دست بدهد مثل کسی میشود که حافظه‌اش را از دست داده باشد در این حالت شخصیت او از بین میرود

شخصیت یک ملت هم به تاریخ آن بستگی دارد هر قدر تاریخش مشعشع و تابناک باشد شخصیتش هم ارزش پیدا میکند. تاریخ و شرح حال علما و یاد حوادث و خوشبختی‌ها و عظمت و انحطاط یک ملت است که شخصیت ملی او را در گذشته و حال نشان می‌دهد و همانطور که اگر فردی حافظه خود را از دست بدهد شخصیت خود را گم میکند یک ملت هم اگر از تاریخ خود آگاه نباشد بر شخصیت قبلی خود واقف نیست تاریخ عبرتی است از گذشته یک ملت برای تسلیهای آینده به میراث مانده است تا آیندگان پند گیرند و اشتباهات و خطاهای گذشته را تکرار نکنند و شخصیت خود را حفظ نمایند. رودکی گفته

هر که ناموخت از گذشت روزگار هم نیاموزد ز هیچ آموزگار

زنده داشتن یاد بزرگان، یادآوری کردن این حقیقت است که مرگ با همه جبروتش هرگز نمی‌تواند پرده فراموشی بر نام و آوازه افراد بکشد که عمر خود را وقف گسترش حقایقی کرده که مورد نیاز زمان و زمانه بوده است.

از جمله نوشته‌های دلنشین و خواندنی سرگذشت خاطره و شرح حال بزرگان قوم در دین و دانش و ادب است و حاوی مطالبی است که در دیگر انواع کتب و نوشته‌ها کمتر یافت میشود با مطالعه و بررسی هر بخش و موضوع از زندگینامه این بزرگان خواننده شور و حالی در خود احساس میکند و بشوق می‌آید تا بداند چه پیش آمده‌ای که خاطراتی در خلال نوشته‌ها بدست می‌آورد که او را از فراز و نشیب زندگی راهنمایی میکند و اغلب شرح حالها عبرت و پند و تجربه انسانی بوده که گویی خواننده در مسیر حیات درخشان اشخاص با آنها همراه و چون شناسگری در دریای متلاطم زندگی در کنار او قرار گرفته است. از نگارنده کتاب

درباره علما و محققین و دانشمندان خوانسار بزرگانی چون آیات عظام و علمای اعلام آیت اله خمینی و آیت اله خامنه‌ئی و آیت اله استادی و سید جلال الدین آشتیانی و حجت

الاسلام جعفریان و شهید مطهری و آیت اله سبحانی و استاد علی دوانی و صادق حسن زاده و استاد علامه حسن زاده آملی و میرزا رضاقلی هدایت و مرحوم سید محمد طباطبایی و محمد ابراهیم باستانی پاییزی و دیگران در مقام و معنویت علما و دانشمندان خوانسار مطالب ارزنده‌ئی نوشته و از آنها یاد کرده‌اند که اینک به رشته تحریر درآمده و در مقدمه کتاب درج شده است.

سخنی از امام خمینی درباره علمای عصر صفوی یک طایفه از علما از مقاماتی گذشت کرده‌اند و متصل به سلاطین شده‌اند با اینکه می‌دیدند مردم مخالفند لکن برای ترویج دینت و تشیع اسلامی و مذهب حق بوده که آنها را وادار کنند به گرایش به مذهب تشیع نباید کسی تا به گوش خود که مثلاً مجلسی یا محقق ثانی و یا شیخ بهایی و علمای دیگر رضوان اله علیه با سلاطین مانند شاه سلطان حسین یا شاه عباس و دیگران روابط داشتند مانده بودند یا محتاج بودند نه اینها مجاهده نفسانی کردند برای اینکه مذهب شیعه را بوسیله آنها ترویج کنند و برای شاه و عزت نبوده است. و بدانید علما سلف که اغلب در پرتو نور شمع و شغاع قمر تحصیل کرده و با قناعت و بزرگواری زیستند و در ترویج دین و روحانیت و صداقت برگزیده مردم شده‌اند از جمله آنها علما بزرگوار خوانسار بودند.

استاد علی دوانی

درباره علمای خوانسار سخنان ارزنده‌ئی ابراز نموده و در مورد آثار آنها فرموده که آثار محققین خوانساری گنجینه‌ئی از علوم و فنون اسلامی است آثار دانشمندان خوانسار که در معقول و منقول به فارسی و عربی نوشته شده به تنهایی گنجینه‌ئی از علوم و فنون را به جامعه بشریت تقدیم کرده‌اند و در طول زمان علما و دانشمندان فراوانی داشته‌اند و آثار علمی و فقهی زیادی در علوم اسلامی از خود بجای گذاشته‌اند که مورد استفاده حوزه و دانشگاه قرار میگیرد.

دفاع از تشیع

آقای صادق حسن زاده پس از شرح مفصلی آورده است که علمای خوانسار هر کدام

در حفظ و ترویج تشیع سهم به سزائی داشته‌اند منجمله جمال‌الدین محمد خوانساری فرزند آقا حسین معروف به محقق خوانساری که از دانشمندان سرشناس شیعه هستند و جامع معقول و منقول بوده و در گسترش علوم اسلامی زحمات زیادی متحمل شده و تالیفاتی ارزنده به جهان اسلام عرضه کرده‌اند.

آقا جمال خوانساری کتاب القصول المختاره را ترجمه و بنام شاه سلیمان صفوی تمام کرده است و بگفته اغلب علمای وقت چون صاحب ریاض‌العلماء و میرزا محمد طاهر نصرآبادی و صاحب جامع‌الرواة و محدث قمی و فاضل کشمیری و ملا عبدالکریم جزئی از علمای خوانسار به خوبی تحریف کرده‌اند.

نظر استاد علامه حسن زاده آملی

علمای بنام خوانساری به حق از سارگان قدر اول آسمان معارف و علوم اسلامی بودند محققان خوانساری در اکثر رشته‌های علوم اسلامی تبحر داشتند و ذوالفقون بودند. خوانسار حقاً از قدیم و حدیثاً علمای بسیار بزرگ جهانی را از خود به یادگار گذاشته که موجب فخر عالم علم و مایه مباهات اسلام و مسلمین می‌باشند.

میرزا رضا قلی هدایت در ریاض‌العارفین

آورده است که علما ماضین خوانسار اغلب در علوم مختلفه و اداره امور مردم منشا اثر بوده‌اند از جمله آقا حسین خوانساری که پس از تحصیل علم در خدمت فاضل‌نحیر خلیفه سلطان و سایر علما در زمان شاه سلیمان صفوی کمال اعزاز و اکرام یافته و آنرا نایب خود بر تخت سلطنت نشانده و امورات مردم را به وی واگذار کرد ایشان و سایر علما اغلب از محققین زمان و مصنفین دوران و از دانشمندان بنام عصر بوده‌اند.

مرحوم استاد ارجمند سید محمد محیط طباطبایی درباره خوانسار فرموده آن چه علم در حوزه اصفهان از صفویه به بعد تولید شده مدیون علمای خوانسار بوده است و حتی می‌خواهم بگویم نیمی از برکات علمی حوزه علمیه نجف نیز مدیون علمای خوانسار بوده است.

استاد بزرگوار آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی درباره خوانسار فرموده خوانسار اگر

فقط ادیب خوانسار را داشت با خیلی از شهرها هم طراز خودش قابل مقایسه نبود ولی فهرست اعلام و کسان علمی اش با شهرهای طراز اول کشور برابری میکند و گفتند اگر روحانیون آنرا بخواهند احصا کنند مثنوی هفتادمن کاغذ شود.

بموجب تقاضای اینجانب از دانشمند محترم جناب آقای آقا حسن حکیمباشی این مقاله مقدمه را برین کرده است.

بنام خدا

جهان هستی آوردگاه انسان و گذرگاه سلوک مسیر عبودیت و بندگی حضرت حق است که فلسفه آفرینش آدمیان نیز همین پیمایش بایسته و سزاوار این مسیر است و خردهای نهفته در درون مردمان و فرساده های آسمانی و آموزه های وحیانی همگی در پی تربیت و هدایت انسان به چگونه پیمودن مسیر زندگی و چگونه رسیدن به سر منزل مقصود است. اما این انسان است که یا راه یافته و رسنگار و سپاسگزار است یا گمراه و زیانکار و ناسپاس تاریخ آینه درخشان این دو گونه سرنوشت است و دانش تاریخ از آنجا که آموزگار راه و رسم زندگی و سلوک معنویت میتواند باشد، ارجح و منزلتی همپای مقدس ترین دانشها و معرفتها دارد. هم از این رو بخشی قابل توجه از متون مقدس آسمانی به ذکر تاریخ و سرگذشت پیشینیان پرداخته، آیندگان را به درس آموزی از گذشتگان فرا میخواند تا از نیکی ها و نیکان الگو گیرند و از پلستی ها و بدکاران، عبرت پذیرند.

در این رهگذر آنان که تاریخ می نگارند اگر از این چشم انداز بنگرند و از این خاستگاه برخیزند، لاجرم آنچه می نگارند، خود هدایت و معرفت و معنویت است و ارزش و هم سنگ پربهاترین تلاشهای علمی و جهادهای معنوی خواهد داشت.

چه بسیار و فراوانند سرگذشت ها و درست کاری ها و پایمردی هایی که اگر بر صفحات دیوان و دفتر ثبت می گشتند درس آموز و رهنمون نسلها و امتها بودند، اما با کوتاهی و کم توجهی آنان که می توانستند، زیر لایه های غبار و گمنامی مدفون گردیدند. و چه صحنه ها و عرصه های بسیاری که اگر به نگارش در می آمدند، مایه پند و عبرت و زنده نگه داشتن فرزندان اعصار بودند.

از جمله مهمترین گونه‌های نگارشهای تاریخی، زندگی‌نامه بزرگان و رادمردانی است که لحظه لحظه زندگی‌شان خط مشی دوستداران حقیقت تواند بود و آنان که چنین صفحات درخشانی را ثبت میکنند در واقع این قله‌های مردمی و فرزangi را زنده می‌دارند، و بنیمین دلیل است که پیامبر اکرم (ص) بنا بر نقلی فرمود «من ورخ مومنا فکانما احیاء» هرکه تاریخ زندگانی مومنی را بنگارد گویی او را زنده ساخته نیز در آیه شریفه می‌خوانیم «و من احیاء فکانما احیی الناس جمیعاً» یعنی هرکه جانی را زنده سازد گویی همه مردمان را ز زندگی دوباره بخشیده است.

بر پایه آن روایت و این آیه شاید بتوان گفت: تاریخ نگاران، زندگی می‌گسترانند و حیات می‌آفرینند، سنتی خداگونه که حیات بخش همه جانها است و هدایت می‌بخشند و راه می‌نمایانند که سنتی پیامبرگونه و رسالتمندانه است. صد البته بر اهل بصیرت پوشیده نیست که این همه در گرو نیت و انگیزه پاک و پیراسته آن کسی است که تاریخ می‌نگارد که ایا در پی زنده ساختن ارزشهای واقعی و انسانی است یا بسان مداران زرپرست که بهر لثمه‌ای نان یا گفته این و آن یا تحفه‌ای از فلان و بهمان قلم می‌رانند و تاریخ می‌سازند.

باری گردآورنده گرامی این اوراق بنام رجال نامی خوانسار که خود از سلاله پاکمردان و نیک‌سیرتان است افزون بر سلوک مومنانه در صراط مستقیم انسانیت، تلاشی پامردانه در این پویه درخشان داشته و از صحنه صحنه عمر گرامی و صحنه صحنه زندگی پربار خویش، با حرص و اشتیاقی شگرف، نکته‌ها برگرفته و درس‌ها آموخته و تلاشی عظیم و در خور معرفت داشته تا دستاورد این سیر پردامنه را در بند سطور و عبارات کشد و در اختیار رهپویان و نکته‌جویان ادب و معرفت نهد. که سعی او مشکور باد.

سرزمین فرزانه خیز و فرهنگ پرور خوانسار، افزون بر ویژگی‌های طبیعی و پیشینه در خور تمدن باستانی ستارگانی پرفروغ را در خود پرورده که چهره تابناک و سیرت درخشانان چراغ راه رهروان است و در این گرامی اثر در خور مقدور و میسور، نام و یادشان را زنده ساخته است. سیرت آن گرامی مردان و تلاش نگارنده گرامی درس آموز تشنگان دانش و معرفت باد. والسلام

حسن حکیم باشی - بهار ۱۳۹۰ خورشیدی

در پایان مقدمه جهت ختامه مسک قطعه شعری که مرحوم ملک الشعرا بهار در فقدان علما و دانشمندان سروده است زینت بخش کتاب خواهد بود.

دعوی چه کنی داعیه داران همه رفتند	روبار سفر بند که یاران همه رفتند
این گرد شتابنده که بر دامن صحراست	گوید چه نشینی که سواران همه رفتند
افسوس که افسانه سرایان همه رفتند	اندوه که اندوه گساران همه رفتند
داغ است رخ لاله و نیلی است بر سرو	کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند
یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران	تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند
گر نادره معدوم شود هیچ عجب نیست	کز کاخ هنر نادره کاران همه رفتند
فریاد که گنجینه طرازان معانی	گنجینه نهادند به ماران همه رفتند
مردان بزرگی همه از گلشن بیرون	از ملک ادب حکم گزاران همه رفتند
خون بار بهار از مژه در فرقت احباب	گز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند

WWW.KOPYRIGHT.COM

یادش گرامی باد

از خوانندگان محترم استدعا دارم که خاطره نویسنده و سروده‌ها و کلیه علما و دانشمندان و آیات عظام و سروران گرامی که در این مجموعه یادآوری شده‌اند طلب مغفرت از درگاه باریتعالی مسئلت نمایند.

سیده‌جنتی بنی‌هاشمی خوانساری

www.ketab.ir

گزیده‌ئی از اشعار آقای حسن حکیم‌باشی درباره خوانسار

شهر خوانسار است این یسا جنت‌الماواست این
 قطعه‌ئی از جنت است افتاده در این خاکدان
 گرچه سیزی زاروبستان در جهان کم نیست لیک
 کوهسار و چشمه‌سار و سبزه‌زار و شاخسار
 ای خوشا داشت گلستانکوه گلگون لاله‌ها
 پیش پای این صنوبرها خجل گردیده سرو
 خاستگاه عالمان و شاعران پرهنر
 شهر گل شهر شقایق شهر گل، شهر عسل
 شهره‌اش هم شهر حکمت شهر دین شهر هنر
 شهر همت‌های والا شهر باطنهای پاک
 شهر دانشایان عابد شهر آیات عظام
 مبولد آقا حسین آقا جمال آقا رضی
 شهر سیداحمد خوانساری آن والا فقیه
 مامان ابن الرضا آن عالم پرهیزکار
 گر بدان نیازم که خوانساری ستم عیبم مکن

یا که جنت و تجری نه‌رها فیهاست این
 یسا بهین بستان به روی توده غیر است این
 در مسیان آن هسمه بی‌مثل و بی‌همتاست این
 مرغزار و باغ و گلزارش همه زیباییست این
 وه چه نیکو و دل انگیز است و بزم آراست این
 خود نشان سربلندیها و مردیهاست این
 هم تجلی‌گاه صنع ربنا الاعلی است این
 خود بهشت است این که کان من و هم مسلوی است این
 شسهر ایمان و عبادت شهر پاکیهاست این
 شسهر انسانهای کوشا شهر خوبیهاست این
 شهر سادات گرامی شهر دانشهاست این
 سرزمین پاک صبحیتها و آئینه‌هاست این
 شهر سردار نماز روز استسقااست این
 جایگاه حوزه علمیه بر است این
 خب موطن باشد و خود از فضیلتهاست این